

## نسبت هنر سنتی و صنایع دستی از دیدگاه سنت‌گرایان\*

سیده محبوبه مقیم‌نژاد حسینی\*\* امیر مازیار\*\*\* ایرج داداشی\*\*\*\*

### چکیده

در هر تمدنی با هنری مواجه هستیم که همچون آینه‌ای بازتاب‌دهنده دین، آداب و ... است. در دوران معاصر، جریان فکری که هنر در تمدن سنتی را مورد توجه و بازشناسی مجدد قرار داد، مکتب سنت‌گرایی است. به پیروان این سبک فکری، سنت‌گرایان می‌گویند. در اندیشه سنت‌گرایان، هنر در تمدن سنتی، که هیچ امری در آن خارج از محدوده سنت که با حقیقت الهی هم‌راستا است، حق موجودیت ندارد، دارای تعاریف مختص به خود است که به آن "هنر سنتی" می‌گویند. از طرفی، ما در پیشینه تمدنی خود، با صنایع دستی روبه‌رو هستیم که فعالیتی تولیدی با تکیه بر نیروی دست است و در تعریف رایج، هنر محسوب نمی‌شود. برای آنکه صنایع دستی در حیطه هنر جای گیرد، با مسائلی مواجه خواهیم شد که می‌توان به شأن خلاقیت این هنر دستی، کاربردی بودن، آمیختگی آن با زندگی روزمره و موارد دیگر موجود در این هنر اشاره نمود. با توجه به معنایی که سنت‌گرایان در جامعه مدرن و سنتی نسبت به هنر قائل هستند، می‌توان از آن برای ارزیابی شأن هنری صنایع دستی بهره برد. در این راستا با این پرسش روبه‌رو می‌شویم که از منظر سنت‌گرایان چه نسبتی میان هنر سنتی و صنایع دستی موجود است؟ روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی و تحلیلی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری است. در این مقاله با مقایسه مفهوم هنر سنتی و ویژگی‌های آن با مفهوم صنایع دستی و ویژگی‌های مرتبط با آن از اندیشه سنت‌گرایان، به این نتیجه دست خواهیم یافت که صنایع دستی در چارچوب مفهوم هنر سنتی جای دارد و مشخصه‌های هنر سنتی در صنایع دستی آشکار هستند و صنایع دستی، یکی از بارزترین نمونه‌های هنر سنتی محسوب می‌شود. به همین دلیل، اشکالاتی که در تفکر مدرن بر بینش و هنر سنتی وارد می‌شوند، قابل رفع خواهند بود.

### کلیدواژه‌ها: سنت، سنت‌گرایان، هنر سنتی، صنایع دستی

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری سیده محبوبه مقیم‌نژاد حسینی با عنوان «مفهوم صنایع دستی از دیدگاه سنت‌گرایان» به راهنمایی دکتر امیر مازیار و مشاوره دکتر ایرج داداشی در دانشگاه هنر تهران است.

\*\* دانشجوی دکتری فلسفه هنر، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود (نویسنده مسئول). s.m.moghimnejad@gmail.com

\*\*\* استادیار، گروه فلسفه هنر، دانشگاه هنر، تهران

\*\*\*\* استادیار، گروه آموزشی پژوهش هنر، دانشگاه هنر، تهران

## مقدمه

در دوران مدرن با مفهوم نوینی از هنر مواجه خواهیم شد که در مفهوم هنرهای زیبا به منصفه ظهور رسیده است. در مفهوم هنرهای زیبا، هنر دارای ویژگی‌های مختص به خود است. طبق این دیدگاه، هنرهای دستی که به آنها صنایع دستی می‌گویند در حیطه هنر جای ندارند؛ از طرفی، سنت‌گرایان اعتقاد بر این امر دارند که در جوامع سنتی مفهوم هنر با مفهوم جدید متمایز بوده و تلقی دیگری در کار است (نصر، ۱۳۸۰: ۴۹۴). مطابق تلقی موجود در تمدن سنتی، صنایع دستی را می‌توان هنر نامید. در این مقاله مطابق دیدگاه سنت‌گرایان، مفهوم سنت، هنر سنتی و صنایع دستی بیان شده است و در ادامه با توجه به نسبت‌های موجود، آنها را مورد مقایسه و ارزیابی قرار خواهیم داد. پرسش‌های مهم این پژوهش، بررسی مشخصه هنر سنتی به صورت فرم و محتوای درونی این هنر دستی و ارتباط آن با صنایع دستی در تمدن سنتی از منظر سنت‌گرایان است. از جمله اهداف اصلی پژوهش حاضر با توجه به رابطه عمیق میان هنر سنتی و صنایع دستی به لحاظ فرم، عملکرد و...، بررسی مناسبت این هنرهای دستی در اندیشه سنت‌گرایان است. مناسب‌ترین روش مطالعه و بررسی، مطالعه کیفی و تجزیه و تحلیل مشخصه‌های این هنرهای دستی است. ضرورت اصلی این نوشتار با توجه به نقش و جایگاه بنیادین هنر سنتی در تمدن سنتی و ارتباط آن با صنایع دستی، این است که موجب شناخت و کاربرد این هنرهای دستی در جهان کنونی خواهد شد و در خصوص تأکید بر حفظ و احیای صنایع دستی و هنرهای سنتی در حال منسوخ شدن با توجه به ارزش‌های ساختاری و محتوایی می‌تواند راهگشا باشد و مورد توجه، بررسی و مطالعه در پژوهش‌های آتی پژوهشگران قرار گیرد. آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت علی‌رغم اهمیت، تاکنون مورد پژوهش و مطالعه قرار نگرفته است. این امر، ضرورت و نوآوری این پژوهش را نشان می‌دهد.

## پیشینه پژوهش

در حیطه نسبت هنر سنتی و صنایع دستی در اندیشه سنت‌گرایان که در این پژوهش بدان می‌پردازیم، تحقیقی صورت نگرفته است. بررسی‌هایی که در زمینه هنر سنتی و صنایع دستی انجام شده، به معنا و ویژگی‌های این هنرهای دستی پرداخته‌اند که می‌توان به مقاله "نگاهی دینی به برخی ویژگی‌های هنر سنتی و هنر عامیانه" از ایرج داداشی (۱۳۸۳) اشاره نمود. نویسنده در این پژوهش ابتدا به بررسی معنای سنت می‌پردازد و آن را مرتبط با حقایق جاویدانی

دانسته که در دل هر دین موجود هستند. سپس، به بررسی ویژگی‌های هنر سنتی پرداخته است و زیبایی در هنر سنتی را امری عینی و حقیقی می‌داند که صفات الهی را به منصفه ظهور می‌رساند. در نهایت، اشاره می‌کند هنر سنتی با توجه به مشخصه‌های موجود با هنر عامیانه (که در جهان سنتی به معنای توجه به وجه ظاهری امور و دنیوی شدن است) می‌تواند وجه اشتراک داشته باشد؛ به طوری که اگر عامیانه بودن هنر را به این معنا که اثر هنری بر اساس اصولی ساخته و پرداخته شده باشد در نظر بگیریم، از این حیث می‌توان وجوه تمایز و تشابه هنر سنتی و هنر عامیانه را مشاهده نمود. مقاله "نسبت هنر اسلامی و اندیشه اسلامی از منظر سنت‌گرایان" از امیر مازیار (۱۳۹۱) که نگارنده در این مقاله، مسئله نسبت بین هنر اسلامی و اندیشه اسلامی را یکی از پرسش‌های محوری در فهم هنر اسلامی دانسته است و در ادامه نشان می‌دهد که وصف اسلامی در عنوان "هنر اسلامی" بر چه دلالت دارد و به پاسخ خاص سنت‌گرایان با توجه به دیدگاه خاص آنان به سنت و نسبت آن با هنر به این پرسش پرداخته است. نصرالله تسلیمی (۱۳۹۱) در رساله "بررسی مبانی نظری صنایع دستی" با توجه به جنبه‌های تاریخی و اجتماعی از طریق تعاریف، دیدگاه‌ها، بنیان‌های فکری زیبایی‌شناسی و انتخاب شیوه مناسب آموزشی، مبانی نظری صنایع دستی را بررسی کرده است. علاوه بر آن می‌توان به پایان‌نامه "اصول و مبانی صنایع دستی ایران از دیدگاه سنت‌گرایان" اشاره نمود که توسط زینب کیانی هرچگانی در سال ۱۳۹۴ به رشته تحریر درآمده است. نگارنده در این پژوهش، به بررسی هنر سنتی در دیدگاه سنت‌گرایان پرداخته است؛ به طوری که در ابتدا به سنت نازله از یک حقیقت والا که در قالبی رمزگونه به آشکارگی و ظهور رسیده است، اشاره دارد. توجه به این قالب رمزگونه، کلید فهم معنای آن خواهد بود. در اندیشه سنت‌گرایان، هنر سنتی و زبان بشری دو شیوه‌ای است که سنت از طریق آنها سخن می‌گوید. همچنین مقاله "پیرامون هنر سنتی در رویارویی آن با صنعت مدرن" از سعید بینای مطلق (۱۳۹۸) که نگارنده در این مقاله اشاره می‌کند از آنجایی که عبارت "هنر سنتی" تا اندازه‌ای مبهم است، در تلاش است تا با پیشنهاد نسبتاً نوینی از این ابهام بکاهد؛ وانگهی ادعان دارد با رویارویی نهادن هنر سنتی، به‌ویژه معماری و صنایع دستی و دستاوردهای مدرن، می‌توان تولیدات صنعتی را تا اندازه‌ای از زمختی کارخانه‌ای جدا کرد. جواد امین خندقی و سیده مرضیه هندسی (۱۴۰۱) در مقاله "مطالعه انتقادی جایگاه عقل شهودی در خلق و فهم هنر سنتی از منظر سنت‌گرایان"، به درک جایگاه عقل شهودی در خلق و فهم

و ... اشاره نمود، اندیشه سنت‌گرایان توسط آنان ترویج و تشریح شده است و اندیشمندان بسیاری را به خود جلب نموده‌اند. به گمان سنت‌گرایان، سنت‌گرایی شامل مجموعه حقایقی است که مختص به زمان و مکان خاصی نیست، آنان خواهان خروج از بحران مدرنیته و بازگشت به سنت حاکم در تمدن‌های سنتی هستند. در اندیشه سنت‌گرایان، مفهوم "سنت" از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و زیربنای اصلی اندیشه آنان را در بر می‌گیرد؛ در ادامه فرآیند، به بررسی ویژگی‌های سنت می‌پردازیم (نصر، ۱۳۸۰: ۴۹۵).

### سنت

سنت، مفهومی مهم و اساسی در اندیشه سنت‌گرایان است. آنان برای اشاره به معنای مورد نظر خود از واژه Tradition که حرف نخست آن با T بزرگ نوشته می‌شود بهره برده‌اند. در معنای لغوی، واژه سنت به معنای اعتقاد، آداب و رسومی است که مدت‌زمان طولانی از آن گذشته و نزد طبقه خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد (اعوانی، ۱۳۸۸: ۱۲ و ۱۳). اما در اندیشه سنت‌گرایان، معنای متعارف سنت مدنظر نیست، بلکه سنت، مرتبط با حقایق یا اصولی است که دارای منشأ الهی بوده و تغییر و تبدیلی در آن موجود نیست و دوران آن به سر نیامده است. این حقایق بر رسولان، پیامبران، اوتاره‌ها، لوگوس و دیگر افراد بشر که توانسته‌اند سلسله مراتب وجود را سیر نمایند و در ارتباط با حقایق حجابی که بر آن کشیده شده کنار روند و حقیقت وجود خویش را مکشوف نمایند، آشکار شده‌اند. روند آشکارسازی سنت را ابعاد مختلف اجتماعی، حقوقی، هنری و ... در بر می‌گیرد (نصر، ۱۳۸۵: ۱۳۵). از این‌رو، سنت دارای ویژگی‌های بنیادینی است که می‌توان به این موارد اشاره نمود:

سنت دارای منشأ الهی و معنوی است که مرتبط با عالم فرامادی بوده و از عالم والا نازل شده است؛ به‌طوری که در آن امور مرتبط با دانش، تلاش و آگاهی انسان دخالتی ندارد. در واقع، تمدن‌های سنتی با اعتقاد به عالم مافوق مادی که مرتبط با آن عالم هستند، مدعی فرود آمدن امور معنوی از جانب عالم والا بر آنها هستند (گنون، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

۱. سنت دارای حاملان و ناقلان مختص به خود است که انتقال‌دهنده سنت هستند. بدین جهت، سنت با مفاهیم "دین" و "وحی" تقرب می‌جوید؛ نکته مورد توجه آن است که دین و وحی در مرکز سنت جای دارند، اما سنت دارای مفهوم عام‌تر است که دین را هم در بر می‌گیرد و آن را در خود جای می‌دهد (مازیار، ۱۳۹۱: ۸).  
۲. سنت، حقایقی را در بر می‌گیرد که ازلی، ابدی و واحد

هنر سنتی از سوی هنرمند و مخاطب می‌پردازند. سپس آنها تبیین و بررسی تعریف سنت‌گرایان از عقل‌شهودی و چگونگی کارکرد آن در خلق و فهم هنر سنتی را امری مهم برای فهم چگونگی فرآیند انتقال سنت دانسته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه سنت‌گرایان در مسائلی همچون؛ کافی نبودن تعریف عقل‌شهودی، مشخص نبودن کارکرد مطلق شهود عقلی و مفروضات غیرقابل‌پذیرش برای همگان، دچار شدن به کثرت‌گرایی باطنی، تعمیم‌دهی نادرست و تعصب در برخی موارد، دچار مشکل است.

با توجه به پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام‌شده از سوی صاحب‌نظران، عمده پژوهش‌ها در ساختار ترجمه و معرفی دیدگاه سنت‌گرایان هستند و پژوهشی در زمینه نسبت هنر سنتی و صنایع دستی از دیدگاه سنت‌گرایان تاکنون صورت نگرفته است که در تحقیق پیش رو با تمرکز بر هنر سنتی و صنایع دستی و اهمیت این هنرهای دستی در جوامع سنتی، به مطالعه و بررسی این هنرهای دستی و نسبت آنان در اندیشه سنت‌گرایان می‌پردازیم و با بهره‌گیری از منابع مرتبط سعی می‌شود به بررسی علمی و تحلیل این موضوع پرداخته شود.

### روش پژوهش

این پژوهش، بررسی بر مبنای مطالعات توصیفی و تحلیلی در زمینه مفهوم هنر سنتی و صنایع دستی در اندیشه سنت‌گرایان است. تحقیق پیش رو به روش اسنادی و مطالعه منابع مکتوب کتابخانه‌ای و فیش‌برداری به صورت کیفی، با استفاده از منابع مختلف اعم از پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و مقالات منتشرشده صورت گرفته است. همچنین، سایت‌های معتبر داخلی و خارجی برای دست‌یابی به منابع معتبر و موثق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. روش جمع‌آوری تصاویر مربوط به هنرهای مختلف صنایع دستی نیز از سوی نگارندگان تهیه شده است.

### سنت‌گرایان

سنت‌گرایی سابقه‌ای کمتر از یک قرن دارد؛ این جریان از اوایل قرن بیستم با رنه گنون<sup>۱</sup>، عالم، حکیم و عارف (۱۹۵۱-۱۸۸۲) فرانسوی آغاز شد. پیروان این جریان فکری وی را پدر مکتب سنت‌گرایی می‌دانند (الدومدو، ۱۳۸۹: ۱۹)؛ زیرا رنه گنون نخستین فردی است که در غرب به احیای اندیشه سنت‌گرایی پرداخت. با تلاش‌های گنون و کوماراسوامی<sup>۲</sup>؛ هنرشناس، حکیم و متفکر سیلانی (۱۹۴۷-۱۸۷۷)، این جریان فکری هویت مشخص و مستقلی یافت. علاوه بر آن، با کوشش سایر سنت‌گرایان که می‌توان به "فریتیوف شوآن"<sup>۳</sup>، "تیتوس بوکهارت"<sup>۴</sup>، "مارتین لینگز"<sup>۵</sup>، "سید حسین نصر"<sup>۶</sup>

هستند؛ حقایقی که مرتبط با عالم مادی نبوده و متعلق به عالم متافیزیک هستند و تنها راه ادراک آنها از طریق تعقل امکان‌پذیر خواهد بود. به‌نوعی، از هرگونه ادراک حسی مرتبط با عالم محسوس کاملاً به دور هستند. این اصل واحد و اساسی، در همه تمدن‌های سنتی جای دارد که آن را "حکمت خالده" یا "خرد جاویدان" می‌نامند. از این‌رو می‌توان بیان نمود فلسفه ازلی و ابدی در دل همه سنت‌ها جای دارد (داداشی، ۱۳۸۳: ۴۲).

۳. حقایق مرتبط با سنت دارای تجلیات گوناگونی هستند. در واقع بر اساس جوامع سنتی متفاوت، سنت، صورت‌های متمایزی به خود می‌گیرد. «به‌جهتی می‌توان بیان نمود تنها یک سنت، آن هم سنت ازلی به‌عنوان اصل همه امور، موجود است. این سنت، همان حقیقت یکتایی است که مبدأ و مرکز همه حقایق خواهد بود، به فراخور آن، همه سنت‌های موجود در تمدن سنتی معنوی و آسمانی هستند که با مثل اعلائی ثابت سنت ازلی در ارتباط‌اند. به‌نوعی همه وحی‌ها با لوگوس یا کلمه که در آغاز وجود داشت... مرتبط‌اند» (بینای مطلق، ۱۳۹۸: ۱۱). تجلیات متمایز سنت واحد را می‌توان در ادیان متفاوت به صورت بارز مشاهده نمود. این امر، در واقع چیزی جز بیان‌های مختلف از یک امر واحد نخواهد بود. تکثرات موجود در تجلیات سنت، در امور متمایز خود را آشکار می‌نمایند که در ابتدا توسط خود سنت تعیین شده است. این تجلیات با توجه به موقعیت و شرایط تاریخی، جغرافیایی با افرادی که مخاطب پیام موجود در سنت هستند، نیز مرتبط است (همان: ۱۰). ۴. سنت، همه ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و امری گسترده و فراگیر است. اصل گستردگی سنت، در مباحث هنر مهم و بنیادین است؛ به‌طوری که هیچ امری خارج از قلمرو آن معنا و مفهومی نخواهد داشت و هر آنچه مرتبط با دنیای مادی است خارج از اصول سنت، حق موجودیت ندارد، بدین‌رو سنت علاوه بر معرفت، هر آن امری که مرتبط با اعمال و دنیای واقع است را نیز در بر می‌گیرد (نصر، ۱۳۸۵: ۱۵۲ و ۱۵۳).

۵. سنت، امری زنده است و در همه امور جریان دارد. از این‌رو به لحاظ معنوی، توأم با برکت بوده و به امر فراگیر که همگان از آن بهره‌مند می‌گردند مبدل می‌شود. به‌طور مثال، اعتقاد به حضور کتب مقدس در یک مکان و دریافت برکت و معنویت از طریق آن را می‌توان از ویژگی‌های موجود در سنت دانست. در هر جامعه سنتی، با توجه به دین مرتبط با آن، کتب

مقدس در آن جامعه تأثیرگذار هستند. البته نه معنای حضور ظاهری کتب، بلکه به‌عنوان امری معنوی که در روح انسان اثر می‌گذارند و نقش مهمی در شکل‌گیری اعمال و افکار انسان دارند. این امر به خاطر ذات قدسی موجود در سنت است و از این جهت، تمدن سنتی تمایز خود را از تمام تمدن‌های غیرسنتی مشخص می‌نماید (گنون، ۱۳۹۲: ۴۶).

۶. سنت دارای دو مشخصه اصلی ظاهری و باطنی است. این امر در اندیشه سنت‌گرایان اشاره به دو مفهوم دارد؛ اول: امر مقدس، که از طریق وحی، حقیقت الهی بر انسان آشکار می‌شود. دوم: گسترش آن پیام الهی؛ این پیام مقدس برای انسان مقدر شده و در طول سالیان متمادی در جامعه سنتی نشر یافته است (الدومدو، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

### هنر سنتی در اندیشه سنت‌گرایان

حقایق سنت موجود در تمدن سنتی علاوه بر پدیده‌های طبیعت، در هنرهای سنتی نیز به ظهور و آشکارگی رسیده‌اند؛ هنرهایی که همانند کتاب آسمانی، مقدس هستند. در واقع این هنرها همانند وحی حق هستند، که هم منشأ سنت است و هم به‌وجودآورنده عالم هستی که آن حقایق را در اثر جلوه‌گر می‌سازد. بنابراین خاستگاه اولیه آن بشری صرف نخواهد بود (نصر، ۱۳۸۰: ۴۹۴). هنر سنتی در دیدگاه سنت‌گرایان دارای ویژگی‌هایی است که برای آشنایی با هنر سنتی، به بررسی این مؤلفه‌ها می‌پردازیم:

• معنویت<sup>۷</sup> در هنر سنتی<sup>۸</sup>: از مشخصه‌های مهم هنر سنتی که باید به آن اشاره نمود، نسبت هنر سنتی با معنویت و امر قدسی است؛ در واقع، هنر سنتی در ارتباط با امر قدسی بوده و به معنویت امر قدسی تعلق دارد (نصر، ۱۳۸۵: ۵۱۱). بر همین اساس، هنر در خدمت امور معنوی قرار گرفته و از بطن آن، عبادت و بندگی ادراک می‌شود. در جامعه سنتی هر لحظه از زندگی، عرصه نیایش و بندگی و به‌نوعی سیر الی الله است. در نتیجه، همه جا و همه چیز برای انسان مقدس و معنوی محسوب می‌شود. لذا هنر سنتی توأم با امور معنوی و عمدتاً نگاهبان ارزش‌ها بوده و با دستور حفظ عبادت و احکام ارزشی و اخلاقی همراه است (نصر، ۱۳۸۰: ۵۰۸).

• جایگاه فرم در هنر سنتی: صورت در هنر سنتی دارای اهمیت به‌سزایی است؛ از این‌رو، فهم معنای هنر سنتی توأم با فهم معنای صورت خواهد بود. فرم در واقع، ارتباط میان معنویت و اثر است؛ به‌نوعی یک شیء به‌عنوان اثر هنری، دارای صورت و ماده است. در هنر سنتی بین صورت و ماده

معنوی موجود در این هنر هستند. از این رو در آفرینش هنر سنتی، هنرمند از طبیعت اطراف خود بهره می‌برد و آن را با سبک‌پردازی و افزودن نقش و نمادهایی که اشاره به معنویت و ذات اثر دارد، از وجه مادی جدا می‌نماید (بینای مطلق، ۱۳۹۸: ۱۱). بدین ترتیب، هنرمند در آفرینش هنر سنتی با امور ظاهری طبیعت کاری ندارد، بلکه عملکرد طبیعت را با توجه به منشأ آن که معنویت و عقل کل است، سرمشق و الگوی خویش قرار می‌دهد.

• کاربردی بودن<sup>۱۱</sup> هنر سنتی: در تمدن سنتی، هر هنری که ضرورت‌های زندگی روزمره و نیازهای روحی افرادی که از آن بهره می‌برند را شامل شود، هنر سنتی می‌گویند. در واقع، این هنر خود زندگی است و از آن جدا نیست. بدین‌رو، هنر سنتی جوامع سنتی توأم با هدف دو لایه‌ای است؛ نخست، جنبه سودمندی این هنر که به‌طور مستقیم به صورت مادی مرتبط با زندگی روزمره خواهد بود. دوم، نوعی کارکرد آموزشی- تربیتی در این هنر موجود است. هنر سنتی برای کاربرد مشخصی به وجود آمده است؛ یکی از کاربردهای هنر سنتی که می‌توان به آن اشاره نمود، در یک عمل عبادی و آیینی برای پرستش خدا و اعمال آیینی موجود در مقدسات مختلف می‌توان از آن بهره‌مند شد و همچنین از این هنر می‌توان برای امور روزمره چون غذا خوردن نیز استفاده نمود. بدین جهت هنر سنتی، هنری فایده‌گرایانه<sup>۱۲</sup> است. فایده موجود در هنر سنتی تنها مرتبط با زندگی روزمره و مادی انسان نیست، بلکه امور معنوی انسان را نیز در بر می‌گیرد. به عبارتی، هر آنچه در هنر سنتی وجود دارد، مانند امور ظاهری موجود در هنر سنتی، این هنر را در ارتباط و در خدمت معنا قرار می‌دهد (داداشی، ۱۳۸۳: ۴۴).

• جایگاه زیبایی در هنر سنتی: انسان در تمدن سنتی صرفاً به جنبه ظاهری اثر هنری توجه نمی‌کند. با توجه به فضای سنتی حاکم، توجه انسان به حقیقت و معنویت است که در پس زیبایی ظاهری هنر سنتی موجود است. از این‌رو در هنر سنتی، امر باطنی و معنوی که در سطح جمعی تمدن سنتی وجود دارد، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این امر در امور ظاهری هنر سنتی به تعادل می‌رسد و در آن متجلی می‌شود (بینای مطلق، ۱۳۹۸: ۱۳). هنر سنتی از الگوهای معنوی و صحیحی پیروی می‌نماید و بر اساس حقیقت ساخته و پرداخته می‌شود؛ به‌طوری که آن معنویت در ظاهر اثر هنری نمودار خواهد شد. از آنجا که در هنر سنتی، امر محسوس و نامحسوس بر هم منطبق می‌شوند، فرآیند تولید هنر سنتی بی‌تردید اثری زیبا خواهد بود. زیبایی موجود در هنر سنتی، هدف اصلی در این هنر دستی نیست و هنرمند سعی در نشان

وحدت و یکپارچگی وجود دارد. در تفکر سنتی، صورت تنها با ظاهر محسوس، که واقعیت یک شیء را در برگیرد، مرتبط نیست، بلکه صورت، واقعیت یک شیء را تعیین بخشیده و اشاره به ورای شیء محسوس و ذات شیء دارد که در ارتباط با کیفیت درونی شیء است. ماده یا محتوای یک شیء اشاره به امر قدسی و معنوی دارد که رمزها و صور را به امر ارزشمندی مبدل می‌نماید. بدین‌رو، فرم تنها فردیت و امور ظاهری را در بر نخواهد گرفت؛ زیرا الگوی ثابتی داشته و از آن تبعیت می‌نماید. در واقع، صورت یک شیء، چه آن شیء به صورت طبیعی و در عالم پیرامونی موجود باشد و چه آن شیء ساخته دست بشر باشد و به نوعی تزئینی صرف و اضافه شده بر شیء، که توسط هنرمند ایجاد شده، به صورت ذاتی است و اشاره به واقعیت وجودی و محتوای درونی اثر هنری دارد (بورکهارت، ۱۳۷۶: ۷ و ۸).

• رمز‌پردازی<sup>۱۳</sup> در هنر سنتی: حقیقت موجود در هنر سنتی تنها از طریق رمز‌پردازی و نمادهایی که در این هنر مشاهده می‌شوند، قابل دریافت است (همان: ۸). نماد در هنر سنتی، جنبه‌ای از واقعیت اشیا را آشکار می‌نماید. درک این واقعیت بدون فهم و دریافت نماد برای انسان امکان‌پذیر نخواهد بود. در هنر سنتی، فهم و دریافت حقایق برتر نهفته در شیء توسط انسان، تنها از طریق نماد امکان‌پذیر است. از این‌رو، واقعیت عالی مرتبه به امر نازل‌تر و ملموس‌تری تنزل می‌یابد تا از این طریق، انسان آن واقعیت‌های برتر و فرامادی را دریافت کند و بدان رهنمون شود (الدومدو، ۱۳۸۹: ۲۴۳-۲۴۰). نماد‌پردازی موجود در هنر سنتی، جهان‌شمول بوده و در همه زمان‌ها و مکان‌ها برای انسان قابل دریافت است. در نماد‌پردازی هنر سنتی، نفی ظاهری اشیا و نفی تاریخی قابل مشاهده نیست؛ زیرا در نماد‌پردازی، اصل هر شیء به معنویت بازمی‌گردد. معنویت، اصل و مبدأ همه واقعیت‌های بیرونی است و اشیا در حد وجودی خویش، معنویت را دریافت نموده و آن را در خود جلوه‌گر می‌نمایند؛ بدین جهت، همه اشیا به خاطر معنویت درونی به هم وابسته هستند (گنون، ۱۳۷۴: ۴۶).

• عدم طبیعت‌گرایی<sup>۱۴</sup> در هنر سنتی: یکی از خصوصیات قابل ملاحظه هنر سنتی، آن است که در این هنر تقلید از طبیعت پیرامونی صورت نمی‌گیرد و به‌نوعی ضد طبیعت‌گرا است؛ زیرا در اندیشه سنت‌گرایان، «هنر طبیعت‌گرایانه، غیرعقلانی و تعریف‌نشده است» (کوماراسوامی، ۱۳۸۴: ۱۶، ۱۷ و ۸۷). هر چند می‌توان طبیعت را در هنر سنتی ملاحظه نمود، اما در هنر سنتی تقلید از طبیعت و ظواهر دنیای مادی، به شیوه واقع‌گرایانه غایت اصلی این هنر محسوب نمی‌شود؛ زیرا آنچه در هنر سنتی اهمیت به‌سزایی دارد، سمبل‌ها و نسبت‌های

دادن امور ظاهری اثر هنری ندارد، بلکه هنرمند برای درک و دست‌یابی آن جنبه معنوی و روحانی که قابل دسترس و قابل مشاهده برای انسان نیست را در سطح آثار هنری تنزل می‌بخشد. بدین‌رو، زیبایی در هنر سنتی زمانی مفید خواهد بود که در جهت معنویت و برآوردن نیازهای معنوی انسان باشد (کوئین، ۱۳۹۴: ۲۶۴).

• جایگاه علم در هنر سنتی: علم موجود در تمدن سنتی، همان علم قدسی است که خود یک هنر محسوب می‌شود؛ زیرا با همه اجزای هنری در تمدن سنتی مرتبط است. از این‌رو هنر سنتی، اساساً علم است و بدون علم بی‌معنا است. در مطالعه هنر سنتی موجود در عالم سنتی، از وجود علمی که باعث به وجود آمدن چنین هنری می‌شود آگاه می‌شویم. بنابراین، این علم اساساً قدسی و فقط در ساختار سنت موجود است و تنها سنت موجود در تمدن سنتی با جلوه بشری در ارتباط خواهد بود و موجب فعلیت یافتن امر معنوی در دنیای مادی می‌شود و آن را برای همه انسان‌ها قابل دسترس می‌نماید. بنابراین علم مرتبط با هنر سنتی، با معنویت درونی این هنر نیز در ارتباط است و تنها با ساحت ظاهری هنر سنتی سروکار ندارد (نصر، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

### صنایع دستی<sup>۱۳</sup> چیست؟

از زمانی که بشر زیستن آموخت، برای تأمین نیازهای اولیه خود دست به تغییر طبیعت و به‌نوعی کار بر روی پدیده‌های پیرامونی زد. اولین دست‌ساخته‌های بشر، ابزارآلاتی بودند که برای شکار و دفاع در برابر خطرات ساخته شدند. تغییر در روند زیستن و یکجانشینی موجب شد به واسطه اشتغال به کشاورزی و دامداری، آدمی به فکر ساخت فرآورده‌های متنوع از نظر کارایی و زیبایی شناختی بيفتد. با رشد تمدن‌ها صنایع دستی نیز رشد روزافزونی نمود؛ این محصولات دارای هر دو کاربرد تزئینی و استفاده در زندگی روزمره هستند که به روش‌های سنتی ساخته می‌شوند. صنایع دستی به‌طور عمده با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید، به کمک دست و ابزار دستی ساخته و پرداخته می‌شود که در هر قسمت آن، ذوق هنری و خلاقیت فکری سازنده، قابل مشاهده است. صنایع دستی به صورت کارگاهی و خانگی تولید می‌شود و در شهر و روستا قابلیت استقرار دارد و بدون نیاز به تکنولوژی پیشرفته، بیشتر متکی به تخصص‌های بومی و سنتی است (فروغی، ۱۳۹۴: ۱۲۷-۱۲۰).

### ویژگی‌های صنایع دستی

بر اساس تعاریف ارائه‌شده راجع به صنایع دستی از سوی سازمان‌ها و نهادهایی همچون؛ گروه هنرهای سنتی فرهنگستان هنر، سازمان صنایع دستی ایران، کمیسیون ملی یونسکو در ایران و ... که دارای وجوه مشترک در مباحث بیان‌شده هستند، ویژگی‌های عمومی صنایع دستی را می‌توان از سوی سازمان‌های مرتبط با صنایع دستی و سازمان جهانی مالکیت معنوی<sup>۱۴</sup>، به این شرح بیان نمود:

۱. «برای تولید هر یک از آثار هنرهای صناعی مراحل متعددی طی می‌شوند و برای انجام کلیه این مراحل، به کار بردن دست، ابزار و وسایل دستی الزامی نیست و چنانچه تنها قسمتی از مراحل اساسی تولید توسط دست و ابزار و وسایل دستی انجام شود، صنایع دستی محسوب می‌شود.
۲. حضور مؤثر، بدون واسطه و تعیین‌کننده انسان در تولید هنرهای دستی و تأمین عمده مواد اولیه مصرفی این محصولات دستی، از منابع داخلی و منطقه‌ای که افراد در آن زیست می‌نمایند خواهد بود.
۳. در این محصولات دستی، هیچ همانندی و تشابهی با سایر محصولات تولیدی دیگر، موجود نیست.
۴. محصولات صنایع دستی به‌طور عمده از مواد اولیه بومی و محلی تهیه می‌شوند؛ از این‌رو در مقایسه با سایر صنایع، نیاز به سرمایه‌گذاری هنگفتی ندارند.
۵. فرآیند تولید و اجرای صنایع دستی، نیاز به کارشناس و افراد متخصص ندارد؛ زیرا این هنر دستی توسط افراد غیرمتخصص نیز تولید می‌شود.
۶. این هنرهای دستی به‌راحتی قابلیت گسترش و توسعه در همه مناطق (شهر، روستا و حتی در جوامع عشایری) را دارند.
۷. تجربیات و رمزها و فنون تولیدی در رشته‌های مختلف صنایع دستی، به شیوه استاد و شاگردی از نسلی به نسل دیگر، به صورت سینه به سینه انتقال می‌یابند.
۸. هنرمند در روند تولید هنرهای صناعی، از الگوی ثابت و تغییرناپذیری در کلیه مراحل بهره می‌برد» (یاوری، ۱۳۹۰: ۵۶).

با توجه به مباحث بیان‌شده، به‌طور اجمالی از رشته‌های عمده صنایع دستی می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱. طراحی سنتی (طراحی برای زمینه‌های مختلف مانند؛ نقشه‌کشی قالی و گلیم، تذهیب، تشعیر، نقش‌بندی و ...)
۲. خط و خوشنویسی

۳. کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی (کاغذسازی و هنرهای وابسته، صحافی سنتی، جلدهای سوخت، ضربی، لاک‌ی و ...)
۴. نساجی و دوخت
۵. نقاشی ایرانی (پشت شیشه و نگارگری یا مینیاتور و ...) و ... (همان: ۲۵-۲۰) (تصاویر ۶-۲).

### مقایسه صنایع دستی و هنر سنتی در اندیشه سنت‌گرایان

با توجه به موضوع مورد بررسی و چگونگی قرارگیری صنایع دستی در حیطه هنر در اندیشه سنت‌گرایان، با ورود به دوران مدرن با مفهوم نوینی از هنر مواجه خواهیم شد که معنای جدیدی به هنر داده است. با نگرش مرتبط دوران مدرن، اشکالات قابل‌ذکری در صنایع دستی موجود هستند که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود. در این هنر سنتی خلاقیت نقشی ندارد و جنبه زیبایی‌شناسی آن محدود است؛ در صورتی که جنبه کاربردی زیادی دارد. بدین‌رو با توجه به موارد ذکرشده، صنایع دستی هنر محسوب نمی‌شود. البته این امر مرتبط با مفهوم جدید هنر که از قرن ۱۸ رایج شده و از هنر زیبا که ماحصل دوران مدرن است، نشأت گرفت. در واقع، این مفهوم زمانی گسترش یافت که میان هنرهای زیبا و هنر کاربردی یا امور کاربردی تمایز ایجاد شد. در این راستا از ویژگی‌های هنر زیبا که می‌توان به آن اشاره نمود، خلاقیت، ابداع و نوآوری است. در واقع، مسئله اصلی با توجه به دیدگاه سنت‌گرایان این امر است که مفهوم جدید هنر، کل مفهوم حقیقی هنر را پوشش نخواهد داد و هنرهای زیبا در دوران مدرن با انسان‌گرایی یا فردگرایی جدید توأم هستند. لیکن سنت‌گرایان ذیل مفهوم سنت‌گرایی، دیدگاه گسترده‌تری برای هنر قائل هستند. طبق ویژگی‌های مشترک موجود در صنایع دستی و هنر سنتی با توجه به اندیشه سنت‌گرایان، آنها را مورد مقایسه و ارزیابی قرار خواهیم داد:

• نقش نبوغ و نوآوری هنرمند در هنر سنتی و صنایع دستی: هنر سنتی مطابق تلقی سنت‌گرایان بر اساس سنت، امری آسمانی و الهی است. در این هنرها نبوغ و ابتکار شخصی هنرمند مد نظر نیست و هنرمند سنتی به دنبال ظهور و بروز ابتکار در اثر هنری نخواهد بود. از این‌رو در تمدن سنتی، هنر اصیل کمتر تشخیص و هویت فردی هنرمند را در بر می‌گیرد. به‌نوعی استادِ هنرمند در خلق آثارِ چون هنر سنتی در تمدن‌های سنتی به این صورت است که هنرمند، هویت فردی خویش را نادیده گرفته تا آنچه مرتبط با تمدن سنتی است، در هنرهای دستی به ظهور رسد. در صنایع دستی نیز همانند هنر سنتی، نبوغ شخصی و نوآوری هنرمند در

اثر هنری جلوه‌گر نخواهد شد و این آثار به شیوه سنتی و بر اساس اصول و قراردادهای تمدن سنتی ایجاد می‌شوند. به‌نوعی نبوغ هنرمند با توجه به تمدن سنتی به صورت سنتی، جمعی و معنوی است و فرعاً فردی خواهد بود. نبوغ فردی، بدون توافق با نبوغ عمیق‌تر و وسیع‌تر، ارزشمند نخواهد بود و نادیده گرفته می‌شود. نبوغ معنوی و نبوغ جمعی توأم با هم، نبوغ سنتی را ایجاد می‌نماید. بدین جهت، نبوغ سنتی تأثیر خود را بر تمام جوانب هنر سنتی و صنایع دستی موجود در تمدن سنتی خواهد گذاشت (شوآن، ۱۳۷۶: ۹۹).

• بومی‌گرایی در هنر سنتی و صنایع دستی: هنرمند در تمدن سنتی، طی سال‌های متمادی از طریق مهارت و تجربه‌های به‌دست‌آورده، به تولید هنر سنتی و صنایع دستی می‌پردازد. این روند برحسب ساختار مردمی و رابطه نزدیک آن با فرهنگ، اقلیم و جامعه‌ای که هنرمند در آن زیست می‌نماید و به خلق اثر هنری می‌پردازد، است. بدین‌رو، هنر سنتی دارای ویژگی‌های بومی است؛ خصلت بومی موجود در هنر سنتی نوعی خصوصیت ذاتی و غیرقابل‌تحمیل و جزء لاینفک این هنر محسوب می‌شود. این خصوصیت در هنر سنتی در طرح‌ها و نوع کاربرد این هنرها به ظهور می‌رسد. به‌نوعی بومی‌گرایی، حاصل فرآیند شاخصه‌های متعدد اجتماعی، فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی و تاریخی در هنر سنتی است و نمی‌توان برای آن حد و مرزی مشخص نمود (کوئین، ۱۳۹۴: ۲۶۵). در روند تولید صنایع دستی نیز خصلت بومی‌گرایی و رابطه هنر دستی با فرهنگ، اقلیم و جامعه‌ای که این هنر دستی در آن ایجاد می‌شود، به‌خوبی قابل‌ادراک و قابل‌دریافت است. این ویژگی در هنر سنتی و صنایع دستی در واقع به صورت طبیعی و اجتناب‌ناپذیر، توانمندی‌ها و انعطاف‌پذیری و تأثیرات بشر نسبت به مقتضیات زمان و مکان پیرامونی را جلوه‌گر می‌نماید (همان: ۲۶۲).

• فرم در هنر سنتی و صنایع دستی: هنر اساساً صورت یا فرم است و فرمیک بودن هنر سنتی، تمام ابعاد زندگی سنتی را در بر می‌گیرد. در جهان سنتی هر آنچه توسط هنرمند سنتی به وجود می‌آید از لیوان، کاسه و تمام اشیای کاربردی، جزو قلمرو هنر محسوب می‌شود. به‌نوعی تمایزی میان هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی در تمدن سنتی مطرح نیست و صنایع دستی تنها به‌عنوان یک هنر کاربردی نخواهد بود، بلکه یک شاخه گسترده از هنر سنتی محسوب می‌شود؛ بدین جهت هر امری که ایجاد می‌شود باید صورت باارزشی بر اساس قواعد موجود با سنت داشته باشد. طبق این اصل، هر شیء ساخته دست بشر در صورتی به اثر هنری مبدل می‌شود که صورتی درخور ارزش داشته باشد. در روند تولید

صنایع دستی نیز همانند هنر سنتی، اهمیت فرم اثر به خوبی قابل دریافت است. به همین رو، هنر سنتی و صنایع دستی تنها به اعتبار ارائه محتوای سنتی ارزشمند نخواهند بود، بلکه این هنرها به خاطر اصول و معیارهای صوری موجود در عالم سنتی که از الگوی ثابت تبعیت می‌نمایند دارای ارزش و اعتبار به‌سزایی هستند؛ زیرا اولین ویژگی مهم هنر سنتی و صنایع دستی موجود در جامعه سنتی، صورت اثر هنری است (کیبل، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

• زیبایی و فایده‌مندی در هنر سنتی و صنایع دستی: از دیگر خصوصیات قابل‌قیاس هنر سنتی و صنایع دستی که می‌توان به آن اشاره نمود، این است که این هنرها بر اساس اندیشه هنر برای انسان خلق شده‌اند. هنر سنتی و صنایع دستی، آمیزه‌ای از زیبایی و فایده‌مندی است؛ هر آن چیزی که در این هنرها به کار می‌رود، آنها را به امری زیبا و سودمند مبدل می‌سازد. تمام عناصر و امکانات موجود در هنر سنتی و صنایع دستی را در صورتی می‌توان مفید دانست که در بیان مفاهیم معنوی مفید و مؤثر باشد. در نتیجه، زیبایی موجود در هنر سنتی و صنایع دستی جامعه سنتی، پیش از آنکه تابع اصول صرف زیبایی‌شناسی ظاهری باشد، تابع مفاهیم معنوی قرار گرفته و انسان را به حقیقت ناب رهنمون می‌سازد (بورکهارت، ۱۳۷۶: ۱۳۴). به‌نوعی مبنای نمایش زیبایی در هنر سنتی و صنایع دستی، کارکرد و نقش کاربردی آن است نه ظاهر صرف و جلوه بصری اثر هنری. در واقع هنر سنتی و صنایع دستی، ابزاری برای رسیدن به مقصود حقیقی است و در تمامی مظاهر روزمره زندگی می‌توان آن را دریافت نمود؛ به‌نوعی زیبایی موجود در هنر سنتی و صنایع دستی توأم با کاربرد یک شیء است، نه چیزی اضافه بر آن و صرف تزئین اثر هنری.

• مواد اولیه در هنر سنتی و صنایع دستی: در روند تولید هنر سنتی، طبیعت و ذات مواد اولیه و پذیرش صورت جدید این مواد از سوی هنرمند، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. هنرمند سنتی در کاربرد مواد و مصالح مورد نیاز در روند تولید هنر سنتی، به مواد اولیه با کاربرد مصنوع، در اثر هنری خویش توجه زیادی دارد. لذا در تولید صنایع دستی و هنرهای دستی مرتبط نیز این فرآیند مورد توجه هنرمند قرار خواهد گرفت. از این رو، مواد اولیه بومی و اصیل در تولید هنر سنتی و صنایع دستی جایگاه والایی دارند؛ زیرا نه تنها در اشیای تولیدی در جامعه سنتی از سفالگری و پارچه‌بافی، بناها و جامه‌ها و درودگری و مانند آنها، بلکه در خود ابزارهای مورد استفاده در هنرهای دستی (هنر سنتی و صنایع دستی) نیز از جایگاه روحانی و معنوی برخوردار هستند (داداشی، ۱۳۸۳: ۴۴).

• کاربردی بودن هنر سنتی و صنایع دستی: هنر سنتی به کامل‌ترین وجه، عملی کاربردی است و این معنا را در خود جای داده است. وجه کاربردی هم در اعمال آیینی و شعائری مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم برای امور زندگی روزمره. بر این اساس، انسان سنتی قصد لذت بردن صرف از آنچه مورد استفاده قرار می‌دهد را نخواهد داشت و به این امر اکتفا نمی‌نماید؛ زیرا توجه وی به وجه محسوس و ظاهری اثر هنری نیست، بلکه به حقیقتی که در ورای آن وجود دارد، معطوف است (کوماراسوامی، ۱۳۸۳: ۲۵). این خصلت در صنایع دستی نیز قابل رؤیت بوده و توأم با زندگی روزمره انسان است، بدین رو، علاوه بر برآوردن مقاصد عملی در جنبه‌های مختلف زندگی، به حفظ پیوند و آمیختگی میان زیبایی شیء محسوس و وجود نامحسوس کمک خواهد نمود. بنابراین مطالب بیان شده در باب نسبت هنر سنتی و صنایع دستی در اندیشه سنت‌گرایان، می‌توان گفت سنت‌گرایان از نخستین افرادی بودند که بر رویکردهای معناکاوانه هنر تأکید می‌ورزند. آنان به این امر اشاره دارند که بر اساس ظواهر اشکال و نقوش به کاررفته در هنر سنتی و صنایع دستی، نمی‌توان به فهم یک دوره تاریخی و تمدن سنتی دست یافت، بلکه باید به سنت حاکم بر تمدن سنتی و فرهنگی که این هنر در آن رشد و نمو نموده است، توجه کرد. به‌نوعی آنان به هنر سنتی به مثابه اصلی یکپارچه می‌نگرند؛ هر چند نسبت به تحولات تاریخی و جغرافیایی آن بی‌توجه نیستند، اما آنها را صرفاً امور عارضی تلقی می‌کنند. از این رو سنت‌گرایان، هنر سنتی را در ایجاد حال و هوای معنوی مؤثر دانسته‌اند؛ زیرا این هنر دستی زمینه‌ای فراهم می‌نماید که در آن شهود مابعدالطبیعی روی خواهد داد. به نظر می‌رسد وجود هنر سنتی برای فهم ساحت ذوقی سنت، امر ضروری است؛ به‌طوری که گاهی این هنر دستی، به‌طور مستقیم بر امور معنوی و عبادی دلالت دارد و گاهی در ساختن اموری به کار می‌رود که برای زندگی انسان لازم است و چون در این نگرش، انسان جانشین خدا بر زمین است، در حقیقت آن نیز در خدمت اهداف متعالیه و معنوی قرار خواهد گرفت. با توجه به این دیدگاه، همه اصول، مبانی و خصائل موجود در هنر سنتی، از جنبه‌های فرمیک، سمبلیک و تجلی معنایی والا تر، عدم وجود هویت فردی هنرمند و ... در بن‌مایه صنایع دستی به‌طور ملموس و محسوس قابل مشاهده هستند. بنابراین می‌توان محتوا و درون‌مایه این آثار را با توجه به نگرش سنت‌گرایانه نسبت به این هنرهای سنتی دستی مرتبط با سنت موجود در تمدن سنتی در نظر گرفت و شناخت مبانی و اصول سنت را معیار اصلی و اساسی هنر سنتی و صنایع دستی دانست. این هنرها

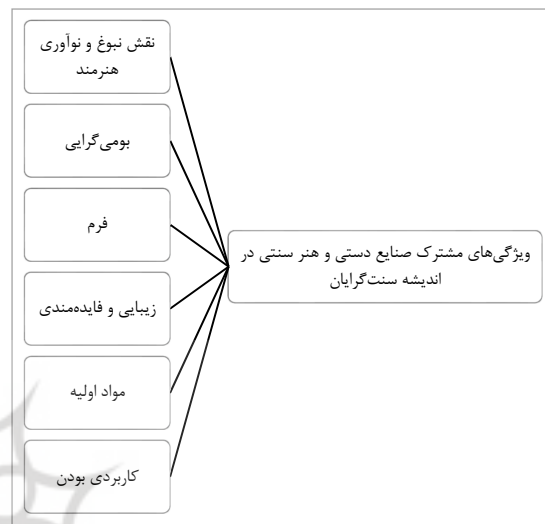


مبانی فکری سنت‌گرایان عجین شده یافت. این امر نشانگر جایگاه مهم این هنرها در بستر تمدن سنتی و تأثیر آنها در فهم یا نقد نظریه هنر و دیگر مبانی نظری است. می‌توان گفت مطابق اندیشه سنت‌گرایان، صنایع دستی بی‌شک از جمله هنرهای سنتی است که کلیه ویژگی‌های موجود در هنر سنتی در آن نهادینه است (تصویر ۱).



تصویر ۲. چادر شب با طرح باکله لایه (نگارندگان)

چون سنتی هستند، از اصول برمی‌خیزند و آن مبانی را به نمایش می‌گذارند و بر آن تأکید می‌کنند. علاوه بر آن، هنر سنتی و صنایع دستی این فرهنگ‌های سنتی تا حدی، کل حیات آنها را فرا گرفته است؛ تا آنجا که می‌توان دست‌ساخته هنرمند را زمینه‌ای برای حضور در ساحت امر معنوی دانست. از این رو مفاهیم "هنر سنتی" و "صنایع دستی" را می‌توان با



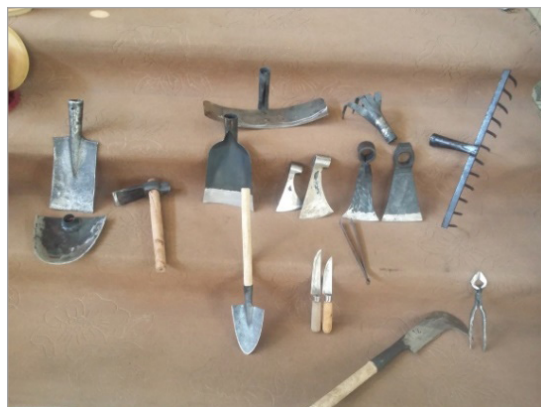
تصویر ۱. نمودار ویژگی‌های مشترک صنایع دستی و هنر سنتی در اندیشه سنت‌گرایان (داداشی، ۱۳۸۳: ۴۷-۴۵)



تصویر ۴. شرفه‌دوزی (نگارندگان)



تصویر ۳. چادر شب با طرح دلیج (نگارندگان)



تصویر ۶. چلنگری (آهنگری سنتی) (نگارندگان)



تصویر ۵. گلیم‌بافی (نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

هنرهای دستی (هنر سنتی و صنایع دستی) موجود در جامعه سنتی دارای خصوصیات و نسبت‌های مشابهی هستند. این هنرهای دستی، مجموعه‌ای از هنر-صنعت‌ها را در بر می‌گیرند که به‌طور عمده با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید به کمک دست و ابزار دستی ساخته می‌شوند. این هنر دستی در چارچوب فرهنگ و بینش هر منطقه و با دیدگاه‌های قومی مناطق مختلف شکل می‌گیرد؛ در واقع هنر سنتی و صنایع دستی، بازتاب تاریخ تمدن هر ملت و هر قومی است که در هر قسمت آن ذوق هنری و خلاقیت فکری هنرمند سازنده خود را در اثر آشکار می‌نماید و همین امر، عامل تمایز اصلی این هنرهای دستی از مصنوعات مشابه ماشینی تولیدشده در دوران معاصر است. می‌توان گفت در اندیشه سنت‌گرایان، هنر سنتی که در تمدن سنتی تولید می‌شود، همانند صنایع دستی بیش از همه هنرهای دیگر با کار و امور روزمره مردم مرتبط است و همه امور زندگی افرادی را که در جامعه سنتی زیست می‌نمایند، در بر می‌گیرد. بنابراین نمی‌توان صنایع دستی را از هنر سنتی جدا نمود؛ زیرا ماهیت هنرهای سنتی دستی با توجه به اینکه در تمدن سنتی تولید می‌شوند، دارای مشخصه روحانی و کیفی است و نمی‌توان خصوصیات آن را در نظر گرفت که در هنر سنتی موجود باشد، ولی در صنایع دستی آن خصوصیات قابل مشاهده نباشد. در واقع مطابق اندیشه سنت‌گرایان، هنر سنتی و صنایع دستی صورت عینی آن اندیشه معنوی هستند که در تمدن سنتی موجود است و با تولید صنایع دستی و هنرهای سنتی معنویت به‌طور عام، در اختیار همه افراد قرار خواهد گرفت. به‌نوعی در این هنرها سلیقه فردی یا جمعی مطرح نیست. در واقع هنر اصیل در تمدن سنتی، هنری است که کمتر تشخص و هویت فردی هنرمند را جلوه‌گر سازد و در این هنرها آنچه مدنظر است، ارزش‌های مرتبط با سنت حاکم در تمدن سنتی هستند که از طریق هنر سنتی و صنایع دستی نمود می‌یابند.

## پی‌نوشت

6. René Guénon
7. Ananda Kentish Coomaraswamy
8. Frithjof Schuon
9. Titus Burckhardt
10. Martin Lings
11. Seyyed Hossein Nasr
12. Spirituality
13. سه مفهوم هنر سنتی، هنر دینی و هنر مقدس در واقع این تقسیم‌بندی در همه سنت‌گرایان رایج نیست. تنها دکتر نصر به این تقسیم‌بندی اشاره کرده است؛ در صورتی که سنت‌گرایان اولیه تنها همان لفظ هنر سنتی را به کار می‌بردند. مراجعه شود به کتاب "هنر مقدس اصول و روش‌ها" (بورکهارت، ۱۳۷۶) و منظور ما از هنر سنتی، همان مفهوم سنتی بورکهارتی است.
14. Symbolism
15. Naturalism
16. Functional
17. Utilitarian
18. Handicraft
19. WIPO

## منابع و مأخذ

- اعوانی، غلامرضا (۱۳۸۸). "گفتمان سنت‌گرایان و سید حسین نصر". مصاحبه منتشرشده در فصلنامه کتاب تهران (ویژه‌نامه دکتر سید حسین نصر). شماره ۲۸.

- امین خندقی، جواد و هندسی، سیده مرضیه (۱۴۰۱). مطالعه انتقادی جایگاه عقل شهودی در خلق و فهم هنر سنتی از منظر سنت‌گرایان. *تأملات فلسفی*. ۸ (۲۸)، ۲۱.
- آلدومدو، هری کنت (۱۳۸۹). *سنت‌گرایی، دین در پرتو فلسفه جاویدان*. ترجمه رضا کورنگ بهشتی، چاپ دوم، تهران: حکمت.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۶). *هنر مقدس اصول و روش‌ها*. ترجمه جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: سروش.
- بینای مطلق، سعید (۱۳۹۸). پیرامون هنر سنتی در رویارویی آن با صنعت مدرن. *کیمیای هنر*، ۸ (۳۰)، ۸-۱۵.
- تسلیمی، نصرالله (۱۳۹۱). "بررسی مبانی نظری صنایع دستی". رساله دکتری، پژوهش هنر. تهران: دانشگاه هنر. دانشکده هنرهای کاربردی.
- داداشی، ایرج (۱۳۸۳). نگاهی دینی به برخی ویژگی‌های هنر سنتی و هنر عامیانه. *فرهنگ مردم/ایران*، ۳ (۴-۳)، ۴۰-۴۷.
- شوان، فریتویف (۱۳۷۶). *اصول و معیارهای هنر جهانی*. مجموعه مقالات *مبانی هنر معنوی*. ترجمه دکتر سید حسین نصر. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی). ۹۹.
- فروغی، شادی (۱۳۹۴). *صنایع دستی و گردشگری*. چاپ دوم، اصفهان: چهارباغ.
- کوماراسوامی، آناندا (۱۳۸۳). *درباره آموزه هنر سنتی (مجموعه مقالات هنر و معنویت)*. ترجمه انشاء... رحمتی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- کوماراسوامی، آناندا (۱۳۸۴). *استحاله طبیعت در هنر*. ترجمه صالح طباطبایی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- کوئین، ویلیام دبلیو (۱۳۹۴). *یگانه سنت*. ترجمه رحیم قاسمیان، چاپ اول، تهران: حکمت.
- کیانی هرچگانی، زینب (۱۳۹۴). "اصول و مبانی صنایع دستی ایران از دیدگاه سنت‌گرایان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، صنایع دستی. تهران: دانشگاه هنر - دانشکده هنرهای کاربردی.
- کیبل، برایان (۱۳۷۸). در باب ارزش قدسی صنایع دستی. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌الملل هنر دینی. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. ۱۵۳.
- گنون، رنه (۱۳۷۴). *معانی رمز صلیب، تحقیقی در فن معارف تطبیقی*. ترجمه بابک عالیخانی، چاپ اول، تهران: سروش.
- گنون، رنه (۱۳۹۲). *سیطره کمیت و علائم آخرالزمان*. ترجمه علیمحمد کاردان، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مازیار، امیر (۱۳۹۱). *نسبت هنر اسلامی و اندیشه اسلامی از منظر سنت‌گرایان*. *کیمیای هنر*، سال اول (۳)، ۷-۱۲.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۰). *معرفت و معنویت*. ترجمه انشاء... رحمتی، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۵). *در جستجوی امر قدسی*. ترجمه مصطفی شهرآیینی، چاپ دوم، تهران: نی.
- یآوری، حسین (۱۳۹۰). *شناخت صنایع دستی ایران*. چاپ اول، تهران: مهگامه.

Received: 2022/10/18

Accepted: 2023/05/08



## **The relationship between traditional arts and handicrafts from the perspective of traditionalists\***

**Seyedah Mehboobe Moghim Nejad Hosseini\* Amir Maziar\*\*  
Iraj Dadashi\*\*\***

### **Abstract**

In every civilization, we face art that is like a mirror reflecting religion, customs, etc. In the contemporary era, the school of thought that paid attention and re-recognized art in traditional civilization is the school of traditionalism, and the followers of this style of thinking are called traditionalists. In the traditionalist's thought, art in the traditional civilization, in which nothing outside the scope of tradition that is in line with divine truth has the right to exist, has its own definitions, which are called "artistic". On the other hand, in our civilizational background, we are faced with handicrafts, which is a production relying on hand power, and is not considered art in the common definition. In order for handicrafts to be placed in the field of art, we will face issues that can be pointed to such as: The creativity of this handicraft, its practicality, its integration with everyday life and other things in this art. Considering the meaning that traditionalists in modern and traditional society has towards art, it can be used to evaluate the artistic value of handicrafts. In this regard, we are faced with the question of what is the relationship between traditional art and handicrafts from the perspective of traditionalists. The research method in this article is descriptive and analytical, and the means of collecting information is based library research and data collection. In this article, by comparing the concept of traditional art and its characteristics with the concept of handicrafts and its related characteristics from the thought of traditionalists, we will reach the conclusion that handicrafts are in the framework of the concept of traditional art and the characteristics traditional arts is obvious in handicrafts and handicrafts is considered one of the most obvious manifestations of traditional art. In this way, the problems that occur in modern thinking on traditional and art vision can be solved.

**Keywords:** Tradition, Traditionalists, Traditional arts, Handicrafts

\* This research article is an extraction from Seyedeh Mahboobeh Moghimnejad Hosseini's PhD dissertation entitled "The relationship between traditional arts and handicrafts from the perspective of traditionalists" under the supervision of Dr. Amir Maziyar and Dr. Iraj Dadashi as the advisor at the Art University of Tehran.